

رفتارشناسی حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم از تأسیس تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با تکیه بر روزنامه نیروی سوم

چکیده

مقاله حاضر به رفتارشناسی حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم از تأسیس این حزب در مهرماه ۱۳۳۱ تا وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، براساس نظریه بحران توماس اسپریگنز می‌پردازد. این نظریه متشکل از چهار مرحله است؛ ۱- مشاهده بحران، ۲- شناسایی عامل بحران، ۳- ترسیم جامعه آرمانی و ۴- ارائه راه‌حل. هدف از این پژوهش، شناسایی گونه‌های رفتاری حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم (با تکیه بر ارگان رسمی این حزب یعنی روزنامه نیروی سوم) در مواجهه با بحران‌هایی است که نهضت ملی از مهر ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲ با آن دست به گریبان بود. شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله، کتابخانه‌ای و اسنادی و سیاق تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. براساس یافته‌های پژوهش، گردانندگان حزب نیروی سوم از بدو تأسیس حزب تا کودتای ۲۸ مرداد، سه بحران اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی را شناسایی کرده و در راستای حراست از نهضت ملی و حمایت از دولت مصدق، به کشف عوامل این آشفتگی و ارائه راه‌حل برای گذار از بحران پرداختند. از نظر مؤسسين حزب، عامل بحران اقتصادی، محاصره اقتصادی توسط انگلیس و اتکای مطلق دولت به اقتصاد غیر نفتی، عامل بحران بین‌المللی، سیاست استعماری انگلیس، آمریکا و شوروی و عامل بحران سیاسی استبداد بود. از این رو حزب مزبور، چاره گذار از بحران اقتصادی را روی آوردن به بودجه بدون نفت، راه‌حل عبور از بحران بین‌المللی را اتکاء به نیروی سوم و راه‌حل بحران سیاسی را تشکیل نظام جمهوری می‌دانست.

کلمات کلیدی: حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم، نهضت ملی نفت ایران، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، خلیل ملکی، نظریه بحران اسپریگنز.

مقدمه

دولت محمد مصدق از هنگام تشکیل در اردیبهشت ۱۳۳۰ تا انحلال در مرداد ۱۳۳۲، هم در عرصه سیاست داخلی و هم در آوردگاه سیاست خارجی با بحران‌های متعددی مواجه بود. در این میان حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم به رهبری خلیل ملکی از زمان تأسیس این حزب در مهر ۱۳۳۱ تا وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به عنوان یکی از حامیان اصلی دولت مصدق، به ارائه راه‌حل‌ها و پیشنهادات خود برای غلبه بر بحران‌های موجود می‌پرداخت.

درباره تاریخچه حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم و عملکرد این حزب در نهضت ملی نفت، تحقیقات پراکنده‌ای به انجام رسیده، اما تاکنون پژوهش مستقلی در باب شناسایی رفتار این حزب در مواجهه با بحران‌های موجود در مسیر نهضت ملی انجام نشده است. نویسندگانی چون محسن مدیرشانه‌چی (۱۳۷۵) در کتاب احزاب سیاسی ایران (با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها) و یا رضا آذری‌شهرضایی (۱۳۸۳) در کتاب جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی (نیروی سوم) اشاراتی به تاریخچه حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم و عملکرد آن در نهضت ملی نفت داشته‌اند، اما هیچ‌یک از این دو اثر تحقیقی به شناخت رفتار سیاسی جریان مزبور در مواجهه با بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه آن روز نپرداخته‌اند. این در حالی است که حزب نیروی سوم در ارگان رسمی خود که از ۲۲ مهر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منتشر می‌شد، علاوه بر انعکاس اخبار سیاسی و اجتماعی، درصدد شناسایی و ارائه راه‌حل عبور از بحران‌های پیش‌روی نهضت ملی بود.

مقالاتی چون «از اصلاح تا انشعاب، نگاهی به شکل‌گیری نیروی سوم» به خامه رضا آذری‌شهرضایی (۱۳۸۷)، «حزب نیروی سوم و رهبر اندیشمند آن خلیل ملکی» به قلم پرویز مزینی (۱۳۹۱) و «۲۸ مرداد، حزب توده و نیروی سوم» به قلم مجید رهبانی (۱۳۹۴) هم تنها بخشی از عملکرد حزب نیروی سوم در نهضت ملی نفت را مورد کنکاش قرار داده‌اند و البته هیچ‌یک از این مقالات، به بررسی شیوه‌های رفتاری حزب مزبور در مواجهه با بحران‌های موجود در مسیر نهضت ملی نپرداخته‌اند. مقالات دیگری مثل «خلیل ملکی در دوران ملی شدن نفت در ایران» به قلم اُسامو میاتا (۱۳۸۶)، «خلیل ملکی و حزب نیروی سوم» نوشته محمد چگینی (۱۳۸۶)، «بازخوانی رویکردهای فکری و سیاسی خلیل ملکی (با تکیه بر فعالیت وی در آستانه ملی شدن صنعت نفت)» به قلم کریم سلیمانی و شیدا صابری (۱۳۹۱)، «زندگی سیاسی خلیل ملکی» به خامه سمانه بایرامی (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان سوسیالیسم ایرانی خلیل ملکی» به قلم الهام جداوی (۱۴۰۱) و مقالاتی از این دست نیز تنها به بررسی افکار و مواضع خلیل ملکی در نهضت ملی نفت نپرداخته‌اند و با موضوع مقاله حاضر که رفتارشناسی حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم در مواجهه با بحران‌های موجود در مسیر نهضت ملی است تفاوت دارند.

مقاله پیش‌رو بر آن است تا با روش تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر دیدگاه توماس آرتور اسپریگنز^۱، رفتار سیاسی حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم را در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، بین‌المللی و سیاسی که دولت مصدق از مهر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با آن‌ها دست به‌گریبان بود، مورد بررسی قرار دهد. نظریه بحران اسپریگنز که بر رفتار متکی است، مشتمل بر چهار مرحله بدین شرح است: اولین مرحله، مشاهده و کشف مشکل یا بی‌نظمی است. به اعتقاد اسپریگنز، اغلب نظریه‌های سیاسی

¹ Thomas Arthur Spragens (1917 - 2006).

«در واکنش به در هم‌ریختگی و یا خطر در هم‌ریختگی نظم مدنی» خلق شده‌اند (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۵۶-۵۵). مرحله دوم، کشف عوامل بحران است. نظریه‌پرداز در این مرحله باید روابط علت و معلولی رویدادها را تبیین کند تا بتواند پیشنهاد‌های مناسبی برای حل مشکل ارائه دهد. چه بسا اگر علل بروز بحران به درستی ریشه‌یابی نشود، راه‌حل آن نیز نادرست ترسیم گردد. در مرحله سوم، نظریه‌پرداز در ذهن خود به بازسازی جامعه آرمانی می‌پردازد و با سنجش ظرفیت‌های موجود، درصدد ترسیم آرمان شهر (Utopia) است. نظریه‌پرداز در این مرحله، تصویر خود از جامعه منظم را بر پایه درک خود از حل بی‌نظمی ترسیم کرده و طرحی از جامعه آرمانی ارائه می‌کند. (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۰). این مرحله هرچند انتزاعی است، اما بر پایه واقعیات بنا می‌شود. در مرحله چهارم، نظریه‌پرداز همچون یک پزشک که از علل و زمینه‌های شیوع بیماری مطلع است، با تکیه بر یافته‌های خود، به تجویز نسخه درمان اقدام می‌کند. راه‌حل ارائه شده از سوی نظریه‌پرداز در این مرحله باید قابلیت اجرا داشته و آنچه را که «از نظر جامعه‌شناسی محتوم قلمداد می‌شود» مدنظر قرار دهند (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

نویسندگان در این مقاله به منظور شناخت رفتار سیاسی حزب نیروی سوم، ۲۴۷ شماره ارگان رسمی این حزب (از ۲۲ مهر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) را مورد کاوش قرار داده و به این نتیجه رسیدند که حزب مزبور در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، بین‌المللی و سیاسی، به شناسایی عوامل بحران‌ساز که عبارت بودند از: اتکای مطلق دولت به اقتصاد غیر نفتی، سیاست استعماری انگلیس، آمریکا و شوروی، و حاکمیت نظام استبدادی پرداخته و سپس راه‌حل گذار از این بحران‌ها را به ترتیب: تقویت بودجه بدون نفت، ارتباط با کشورهای جهان سوم (نیروی سوم) و تشکیل نظام جمهوری شناسایی کردند.

از نظر چارچوب مفهومی، در این مقاله با مفهوم «رفتارشناسی» سر و کار خواهیم داشت. رفتار (Behavior) از مصدر «رفتن» در اصطلاح به معنای سیره، روش و سلوک است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۸: ۱۲۳۷۸). رفتار واکنشی است که در پاسخ به یک محرک داخلی یا خارجی بروز می‌یابد. به همین نسبت، رفتارشناسی عبارت است از شناخت علمی سیره و سلوک افراد جامعه در مواجهه با محرک یا محرک‌های خارجی یا داخلی. از آنجا که انسان مرکز همه تحولات سیاسی و اجتماعی است، در تبیین نظریات سیاسی مطالعه رفتار انسان دارای اهمیت است (Jain, 2024: 19). رفتارشناسی سیاسی (Political Behavior)، مفهومی است که به بررسی و تحلیل ابعاد گوناگون نگرش‌ها (Attitudes) و کنش سیاسی افراد و گروه‌های سیاسی می‌پردازد. (Braun, Gross, Rittberger, 2020: 2) در این مقاله، منظور از رفتارشناسی، شناخت رویکرد و مواضع حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم در مواجهه با رویدادهای دوره مورد بررسی است.

درآمدی بر پیشینه حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم، از تأسیس تا کودتای ۲۸ مرداد

در پی بروز آزادی‌های مدنی بعد از شهریور ۱۳۲۰، احزاب سیاسی کم‌کم متولد شدند. یکی از این احزاب که در طول یک دهه به عنوان مهمترین تشکل سیاسی در ایران فعالیت کرد، حزب توده ایران بود. مؤسسان این حزب، بازماندگان گروه موسوم به ۵۳ نفر بودند که به رهبری تقی ارانی، از سال ۱۳۱۲ با انتشار مجله تئوریک «دنیا» فعالیت سیاسی و اجتماعی خود را علنی کردند. اعضای این گروه در اردیبهشت ۱۳۱۶ به خاطر تبلیغ مرام اشتراکی توسط شهربانی بازداشت شدند و رهبر آنان در بهمن ۱۳۱۸ به طرز مشکوکی در زندان درگذشت (خامه‌ای، ۱۳۶۳: ۲۰-۱۶). اخلاف این گروه بلافاصله بعد از سقوط رضا شاه، در ۷ مهرماه ۱۳۲۰ حزب توده ایران

را تأسیس کردند. این حزب با ایدئولوژی مارکسیستی، پیرو سیاست شوروی بود. اما در پی اعلام حمایت حزب نسبت به اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی (۱۳۲۳ ش) و سپس پشتیبانی از فرقه دموکرات آذربایجان (۱۳۲۴-۱۳۲۵ ش)، موجی از اعتراض در بین گروهی از اعضای حزب شکل گرفت. این اعتراض سرانجام به نخستین انشعاب در حزب ختم شد. انشعاب‌کنندگان به رهبری خلیل ملکی در دی ۱۳۲۶ با انتشار اعلامیه‌ای، تصمیمات سران حزب در مواجهه با مسائل سیاسی را به‌طور جدی مورد انتقاد قرار دادند. اما وقتی شوروی اقدام آنان را محکوم کرد، انشعابیون انصراف خود را از تشکیل سازمانی مستقل اعلام کرده و از حزب کناره گرفتند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵: ۱۰۶-۱۰۲).

در اردیبهشت ۱۳۳۰ دسته‌ای از اعضای جداشده از حزب توده با هدایت خلیل ملکی، پس از یک دوره انزوا به حزب زحمتکشان ملت ایران به رهبری مظفر بقائی پیوستند و حمایت خود را از نهضت ملی ایران و محمد مصدق اعلام کردند. ارگان رسمی این حزب، روزنامه شاهد بود و مؤسسين حزب از دی‌ماه ۱۳۳۰ ماهنامه «تئوریک «علم و زندگی» را منتشر کردند (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵: ۱۰۸). بلافاصله پس از اعلام موجودیت حزب زحمتکشان ملت ایران، حزب توده در روزنامه «بسوی آینده» این «طفل جدیدالولاده» را مولود «امپریالیسم» خواند و به شدت به آن حمله کرد (بسوی آینده، یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۰: ۱).

حزب توده همزمان با هجمه به گروه جداشده، به شعار ملی شدن نفت در سراسر ایران تاخت. آنها در مواجهه با این شعار، تنها بر لغو قرارداد نفت جنوب اصرار داشتند. انشعابیون به رهبری خلیل ملکی، در پاسخ به این هجمه‌ها، به نقد رفتار سیاسی حزب توده پرداختند. ملکی با نگارش سلسله مقالاتی با عنوان «برخورد عقاید و آراء» در روزنامه شاهد، رفتار حزب توده در مواجهه با موضوعاتی چون ملی کردن صنعت نفت و امتیاز نفت شمال را مورد نقد و بررسی قرار داد. او حزب توده را آلت دست و برکشیده شوروی دانست و سران این حزب را خائن خواند. ملکی همچنین در این مقالات، حمایت قاطع خود را از مصدق و نهضت ملی نفت اعلام کرد (ملکی، ۱۳۷۶: ۹-۱۰).

بعد از ملی شدن نفت ایران (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) و در پی کارشکنی شرکت نفت انگلیس و ایران، دولت مصدق با محدودیت‌ها و مشکلات اقتصادی مواجه شد. در این دوره حزب زحمتکشان ضمن بررسی موانع موجود بر سر راه توسعه اقتصادی، همچنان حامی مصدق و منتقد حزب توده بود. با استعفای مصدق و روی کار آمدن دولت قوام در ۲۷ تیر ۱۳۳۱، ائتلاف نیروهای ملی و مذهبی موجب قیام ۳۰ تیر شد. در این روز حامیان مصدق اقدام به راه‌اندازی تظاهرات کرده و خواستار برکناری قوام و بازگشت مصدق شدند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۳۳-۳۳۵). هرچند مصدق به رأس دولت بازگشت، اما تشتت آراء در میان رهبران نهضت رخ نمایان کرد. در رهبری حزب زحمتکشان نیز شکاف روی داد. حزب عملاً به دو جناح دسته‌بندی شد؛ جناح طرفدار مظفر بقائی که منتقد مصدق بود و جناح طرفدار خلیل ملکی که همچنان از دولت مصدق حمایت می‌کرد. اما گسست بین دو جناح وقتی بیشتر شد که دیدار مظفر بقائی در صبح روز ۳۰ تیر با قوام برملا شد. این دوگانگی در طول جلسات حزب بیشتر خود را نشان داد. مباحث مطروحه در جلسات اغلب به سمت درگیری و جدل پیش می‌رفت و دودستگی در حزب مشهود بود (چگینی، ۱۳۸۶: ۱۱۱). تا اینکه در ۲۰ مهر ۱۳۳۱ بقائی به همراه گروهی از هوادارانش به دفتر حزب زحمتکشان حمله کرده و آنجا را در اختیار گرفتند. دو روز بعد، ملکی و یارانش از حزب کناره گرفتند و حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم را بنیان گذاشتند (نیروی سوم، ۲۳ مهر ۱۳۳۱: ۱ و ۴).

با اعلام موجودیت جناح طرفدار خلیل ملکی، هفته‌نامه نیروی سوم - که بعدها تبدیل به روزنامه شد - به عنوان ارگان رسمی این گروه فعالیت کرد. رهبری حزب نیروی سوم برعهده خلیل ملکی بود و افرادی چون: علی اصغر حاج‌سیدجوادی، شمس و جلال آل‌احمد، محمدعلی خنجی، داریوش آشوری، ابوالقاسم قندهاریان، عیسی اسماعیل‌زاده، امیر پیشداد، علی اصغر خبره‌زاده، مسعود حجازی، هوشنگ ساعدلو، منوچهر صفا و پروین میرفخرایی در آن عضویت داشتند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵: ۱۰۹). حزب نیروی سوم با تشکیل سازمان زنان موسوم به «نهضت زنان پیشرو» موجب فعالیت این قشر در جریان نهضت ملی و عرصه سیاست شد (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۹۷).

از مهر ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲، نیروی سوم در عین حال که مواضعی مطالبه‌گرانه نسبت به عملکرد دولت مصدق داشت، از این دولت در برابر انتقادهای تند مخالفان درباری و توده‌ای دفاع می‌کرد. هنگامی که مصدق از مجلس درخواست اختیارات یک ساله کرد (دی ۱۳۳۱)، حزب نیروی سوم اصلی‌ترین حامی وی بود و اعضای این حزب ضمن برگزاری جلسات با برخی نمایندگان مجلس می‌کوشیدند نظر آنها را در همراهی با دولت جلب کنند (نیروی سوم، ۲۱ دی ۱۳۳۱، ص ۴). در طول نهضت ملی، نیروی سوم با برگزاری میتینگ و اجتماع، همواره حمایت خود را از مصدق اعلام می‌کرد. در اسفند ۱۳۳۱ مصدق از شاه خواست به‌طور موقت کشور را ترک کند تا او با آسودگی و به‌دور از کارشکنی‌های احتمالی مخالفان، امور را پیش ببرد. قرار بود خبر این مسافرت بعد از خروج شاه مخابره شود؛ اما صبح روز نهم اسفند اعلام شد که شاه قصد دارد از کشور خارج شود. بلافاصله جمعی از طرفداران شاه در مقابل کاخ مرمر تجمع کرده و درخواست کردند او در کشور بماند. جمعیت سپس با شعار «درود بر شاه» و «مرگ بر مصدق» به سمت خانه نخست‌وزیر رفتند اما مصدق خانه را ترک کرده و به ستاد ارتش رفته بود. این تجمع که از سوی دربار و برای مقابله با مصدق ساماندهی شده بود شکاف بین دولت و دربار را افزایش داد (نجاتی، ۱۳۷۸: ۲۶۸-۲۶۱). در ماجرای ۹ اسفند، اعضای حزب نیروی سوم با اجتماع در خیابان کاخ، به دفاع از مصدق شتافتند و با مخالفان او درگیر شدند (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۹۹).

هنگامی که اختلاف مصدق و مجلس هفدهم شورای ملی به اوج رسید، نیروی سوم با صدور یک بیانیه در ۲۴ تیر ۱۳۳۲، به شدت به مجلس حمله کرد و آنجا را پایگاه توطئه علیه نخست‌وزیر خواند (نیروی سوم، ۲۵ تیر ۱۳۳۲: ۱ و ۴). لذا از تصمیم مصدق مبنی بر انحلال مجلس استقبال کرد و آن را بهترین راه برای «تثبیت اوضاع سیاسی» کشور دانست (نیروی سوم، ۲۸ تیر ۱۳۳۲: ۱). در ایام منتهی به کودتای ۲۸ مرداد، نیروی سوم از جمله گروه‌هایی بود که خطر کودتا علیه دولت مصدق را پیش‌بینی کرد و نسبت به قریب‌الوقوع بودن کودتا هشدار داد. ملکی در یکی از این ملاقات‌ها ضمن انتقاد از تعلل دولت در مقابله با دشمنان داخلی و خارجی خطاب به مصدق گفته بود: «در سیاست، اشتباه معادل با خیانت است» (صدقی، ۱۹۸۴: نوار شماره ۶ و ۷).

در پی وقوع کودتای ناکام ۲۵ مرداد ۳۲، حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم ضمن حمایت قاطع از مصدق، خواستار انحلال نظام سلطنت و شکل‌گیری نظام جمهوری شد. اعضای حزب همچنین در تظاهرات ضد دربار شرکت می‌کردند و مجسمه‌های شاه را از میدان شهر به زیر می‌کشیدند (صدقی، ۱۹۸۴: نوار شماره ۷). هنگامی که دولت طی بخشنامه‌ای از مردم و طرفداران جبهه ملی خواست در روز چهارشنبه ۲۸ مرداد برای رعایت نظم و امنیت خیابان‌ها را ترک کنند، حزب نیروی سوم نیز به طرفداران خود دستور داد از خواسته دولت تبعیت کنند. با این وجود روز ۲۸ مرداد، گروهی از فعالان نیروی سوم در دفتر حزب حضور داشتند تا در صورت وقوع کودتای احتمالی به کمک دولت بشتابند. اما از آنجا که تا آخرین لحظه، دستوری از سوی دولت به آنها نرسید، با حمله کودتاچیان به دفتر حزب مواجه شدند (صدقی، ۱۹۸۴: نوار شماره ۷).

پس از سقوط دولت مصدق در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، خلیل ملکی در ۱۶ شهریور آن سال دستگیر و به مدت یک سال زندانی شد. سپس عده‌ای از دانشجویان طرفدار حزب بازداشت شدند. با دستگیری ملکی، اختلاف نظر در میان اعضای رده بالای حزب عیان شد و افرادی چون محمدعلی خنجی و مسعود حجازی ضمن انتقاد از مواضع و عملکرد خلیل ملکی در اداره حزب، از نیروی سوم کناره گرفتند (آذری شهرضایی، ۱۳۸۳: ۴۰-۳۹). به این ترتیب، حضور و فعالیت حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم در ساحت سیاسی و حزبی ایران در این دوره به پایان رسید.

رفتارشناسی حزب نیروی سوم از تأسیس تا کودتای ۲۸ مرداد

۱- مرحله اول: مشاهده و شناسایی بحران

۱-۱- مشاهده بحران اقتصادی

اولین مرحله در نظریه بحران، مشاهده و کشف بی‌نظمی یا مشکل است. پس از خلع ید شرکت نفت انگلیس و ایران، بحران در اداره امور کشور قابل لمس بود. در چنین شرایطی، گردانندگان حزب نیروی سوم، بحران اقتصادی را یکی از موانع موجود در اداره کشور می‌دانستند. این بحران هنگامی اثرات خود را نشان داد که دولت انگلیس برای مقابله با دولت مصدق، فشارهای اقتصادی همه‌جانبه خود را اعمال کرد (نجاتی، ۱۳۷۸: ۲۰). خلیل ملکی در شماره نهم نشریه علم و زندگی در بهمن ۱۳۳۱ با اشاره به بحران اقتصادی، نسبت به تأثیرات مخرب این بحران بر نظام اجتماعی و سیاسی کشور هشدار داد (ملکی، ۱۳۷۷: ۶۴). حزب نیروی سوم در این مرحله متوجه بحران - یا آنچه اسپریگنز از آن با تعبیر «خطر در هم‌ریختگی نظم مدنی» یاد کرده است (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۵۶-۵۵) - شد. به اعتقاد گردانندگان حزب نیروی سوم، بحران اقتصادی می‌توانست بر همه شئون اجتماعی و سیاسی کشور آثار مخربی بر جای بگذارد. از این رو باید به سرعت عوامل بروز و توسعه این بحران شناسایی شده و راه‌حل مقابله با آن کشف می‌شد.

۱-۲- شناسایی بحران خارجی

به عقیده فعالان حزب نیروی سوم، دولت مصدق در آوردگاه سیاست خارجی نیز با بحران مواجه بود. بحران خارجی موجب بروز اختلال و بی‌نظمی در اداره امور کشور می‌شد و موانع متعددی را بر سر راه مصدق ایجاد می‌کرد. به اعتقاد اعضای حزب نیروی سوم، در آوردگاه سیاست بین‌الملل، دولت مصدق گرفتار طرح‌ها و نقشه‌های اقتصادی و سیاسی قدرت‌های بزرگ بود. منفعت‌طلبی دولت‌های بزرگ موجب شده بود ایران در گرداب بحران گرفتار شود (ملکی، ۱۳۷۷: ۴۳). خلیل ملکی در سرمقاله شماره نهم نشریه علم و زندگی در بهمن ۱۳۳۱ نوشت: «ما امروز از لحاظ سیاسی و اقتصادی در معرض برخورد با نقشه دولت‌های مقتدری هستیم که آنها نه تنها برای کشور خودشان، حتی برای کشور ما و کشورهای مشابه دیگر طرح‌هایی دارند.» (ملکی، ۱۳۷۷: ۶۸). زیاده‌خواهی این دولت‌ها در داخل مرزهای ایران منجر به بروز مشکل و بی‌نظمی در روند اداره کشور شده بود.

۱-۳- مشاهده بحران سیاسی

حزب نیروی سوم نشانه‌های بحران سیاسی را در ساحت سیاست داخلی کشور مشاهده کرده بود و اعتقاد داشت این بحران به خاطر فعالیت برخی نهادها و دستگاه‌ها در حال توسعه است. در رأس این مراکز، دستگاه حاکمه قرار داشت که با استفاده از سیستم اداری معیوب «مقاصد استعماری و منویات هیئت حاکمه» را مدیریت می‌کرد. به اعتقاد گردانندگان حزب، بروکراسی اداری یکی از پایه‌های بسط دیکتاتوری هیئت حاکمه بود (نیروی سوم، ۱۱ آبان ۱۳۳۱: ۴). از دیگر نهادهایی که مورد سوءظن نیروی سوم قرار داشت، مجلس سنا بود. روزنامه نیروی سوم حملاتی به مجلس سنا ترتیب می‌داد و آن را مرکز توطئه می‌خواند (نیروی سوم، ۴ آبان ۱۳۳۱: ۴). رهبران حزب عقیده داشتند دربار با تشکیل مجلس سنا در برابر مجلس شورای ملی، به دنبال مقابله با شئون دموکراسی و درصدد بسط دیکتاتوری است (نیروی سوم، ۴ آبان ۱۳۳۱: ۴). از نظر رهبران حزب تعدد کانون‌های قدرت در این دوره و تعارض این کانون‌ها با یکدیگر، نشانه برهم‌ریختگی اوضاع سیاسی قلمداد می‌شد. به عقیده فعالان حزب نیروی سوم، این بحران سیاسی به در هم ریختگی اوضاع اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی منجر شده بود.

۲- مرحله دوم: تشخیص علل بحران

۲-۱- عامل بحران اقتصادی

دومین مرحله در نظریه اسپریگنز، شناسایی علل بحران است. به‌زعم سران حزب نیروی سوم، دولت مصدق در سه حوزه اقتصادی، سیاست خارجی و سیاست داخلی با بحران مواجه بود. رهبران حزب به خاطر وابستگی به جبهه ملی و ارادت به مصدق، درصدد تشخیص علل بحران و کمک به دولت بودند. لذا به بررسی و اظهار نظر پیرامون معضلات موجود می‌پرداختند. این مواضع اغلب در ارگان رسمی حزب منعکس می‌شد.

نیروی سوم عامل اصلی بروز بحران اقتصادی را محاصره اقتصادی توسط انگلیس و روی آوردن دولت به «اقتصاد غیرنفتی» به صورت مطلق می‌دانست. به عقیده مؤسسين حزب نیروی سوم، در آن شرایط بحرانی، مهمترین راه برای درهم شکستن تحریم‌های خارجی، فروش نفت بود. این حزب در شماره ۴ ارگان رسمی خود، به سیاست «اقتصاد بدون نفت» تاخت و آن را نتیجه فکر نادان‌ها دانست و نوشت: «در صورتی که ما، در چاه‌ها را ... گل بگیریم و بگوییم که ما قرون متمادی بدون نفت زندگی کرده‌ایم، حالا هم برای اینکه با بیگانگان سر و کار نداشته باشیم می‌خواهیم بدون نفت زندگی کنیم، این حرف پیشرفت ندارد.» (نیروی سوم، ۲۶ مهر ۱۳۳۱: ۱ و ۲).

رهبران حزب عقیده داشتند در شرایطی که تمامی کشورها برای راه‌اندازی صنایع خود محتاج نفت هستند، دولت به جای اتکالی تام به اقتصاد بدون نفت، باید از هر راهی برای فروش نفت استفاده کند. نیروی سوم به درستی پیش‌بینی کرده بود: «اگر ما یک دولت مترقی نداشته باشیم که بتواند از نفت استفاده کند و اگر دولتی روی کار آید که مثلاً به طور موقت هم از نفت صرف‌نظر کرده و سعی و کوشش برای جاری کردن آن به عمل نیاورد، این دولت محکوم به زوال خواهد بود و یک دولت دست‌نشانده اجانب، نفت را این بار هم به نفع استعمارطلبان به جریان خواهد انداخت.» (نیروی سوم، ۲۶ مهر ۱۳۳۱: ۱-۲).

۲-۲- عامل بحران خارجی

نیروی سوم در حوزه سیاست خارجی، توطئه‌های انگلیس، آمریکا و روسیه را عامل اصلی بروز بحران تشخیص داد. انگلیس برای دسترسی مجدد به امتیاز نفت ایران، در مجامع بین‌المللی تکاپو می‌کرد و می‌کوشید کشورهایی مثل آمریکا را با خود همراه کند. فعالان حزب یقین داشتند دولت انگلیس با توطئه‌های مختلف می‌خواهد از نفت ایران ملی‌زدایی کند؛ از جمله این روش‌ها، تحریم اقتصادی ایران، تلاش برای دریافت غرامت از ایران با هدف اعمال فشار اقتصادی، چانه‌زنی در مجامع جهانی به منظور تحت فشار گذاشتن دولت ایران و ... بود. حزب به درستی دریافته بود که انگلیس به دنبال ساقط کردن دولت مصدق است و تمایل دارد «مسئله نفت را با دولتی در میان بگذارد که در روی کار آوردن آن سهمی داشته باشد.» (نیروی سوم، ۲۹ مهر ۱۳۳۱: ۱).

در سوی دیگر، شوروی نیز با استفاده از عوامل خود در داخل ایران تلاش می‌کرد «با ایجاد اغتشاش و آشوب و اختلال در همه کارهای تولیدی و دستگاه‌های کشور، تمام راه‌ها را جز آن که به مسکو منتهی می‌شود بر روی ما ببندند و ما را متوجه راه‌حلی سازند که کرم‌لین در آن نقش اساسی داشته باشد.» (نیروی سوم، ۱۱ آبان ۱۳۳۱: ۴). نیروی سوم به تحركات آمریکا در منطقه نیز مشکوک بود و این دولت را در کنار انگلیس و شوروی، یک دولت استعمارگر می‌شناخت. به عقیده گردانندگان حزب، روسیه، آمریکا و انگلیس تلاش می‌کردند به هر وسیله از تحقق نهضت ملی شدن نفت ایران جلوگیری کنند. چرا که هر سه دولت به دنبال انتفاع از نفت ایران بودند (نیروی سوم، ۱۰ فروردین ۱۳۳۲: ۱ و ۴).

ملکی ابادی این عوامل بحران‌ساز در داخل را هم شناسایی کرده بود. به اعتقاد او، حزب توده به عنوان دست‌پرورده شوروی، سیاست استعماری این کشور را در ایران پیگیری می‌کرد. ملکی همچنین برخی نمایندگان مجلس شورای ملی و کارگزاران حکومتی را به عنوان ابادی انگلیس شناسایی کرده بود. از همین رو به دولت مصدق انتقاد می‌کرد که در مقابل ابادی داخلی قدرتهای استعمارگر، برخورد قاطعی نداشته است (ملکی، ۱۳۷۷: ۸).

در اسفند ۱۳۳۱، نیروی سوم به این نتیجه رسید که دولت‌های خارجی برای سرنگونی نهضت ملی به تفاهم رسیده‌اند (نیروی سوم، ۴ اسفند ۱۳۳۱: ۱). لذا به طور مستمر نسبت به این خطر هشدار می‌داد. ارگان این حزب در شماره سی خرداد ۱۳۳۲ از قریب‌الوقوع بودن کودتا و همکاری انگلیس و آمریکا برای ساقط کردن دولت مصدق خبر داد و نوشت: «انگلستان تمام کوشش خود را در داخل به کار می‌برد تا با هر نوع وسیله و هر نوع دستاویزی دولت مصدق را تضعیف نموده و برای آمریکا مسلم و محقق سازد که مصدق تا دو سه ماه دیگر از کار برکنار شود.» (نیروی سوم، ۳۰ خرداد ۱۳۳۲: ۱ و ۶)

۳-۲- عامل بحران سیاسی

نیروی سوم، حاکمیت استبداد را عامل بروز و توسعه بحران در سیاست داخلی می‌دانست. ملکی دستگاه حاکمه را «مؤثرترین آلت و ابزار استعمار» عنوان نموده و از آن با تعابیر «نظام منحط» (ملکی، ۱۳۷۷: ۸) و «هیئت حاکمه قرون وسطایی» (نیروی سوم، ۲۱ آبان ۱۳۳۱: ۱) یاد می‌کرد. قبل از واقعه نهم اسفند ۱۳۳۱، حزب به جای حمله مستقیم به دربار، پایه‌های مشروعیت‌ساز آن از جمله مجلس و بروکراسی اداری را مورد حمله قرار می‌داد (نیروی سوم، ۱۳ آبان ۱۳۳۱: ۱ و ۴). حزب همچنین به فقدان آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌تاخت و از این رهگذر نظام حاکم را به چالش می‌کشید (نیروی سوم، ۲ آذر ۱۳۳۱: ۴).

بعد از ماجرای نهم اسفند، نیروی سوم به طور مستقیم دربار را مورد حمله قرار داد و به «باند‌های پلیدی» که «دربار را به پایگاه ارتجاعی ضد مصدق» تبدیل کرده بودند تاخت (نیروی سوم، ۱۰ اسفند ۱۳۳۱: ۴). در این دوره حزب به طور علنی در ارگان رسمی و میتینگ‌های خود از استبداد حاکم بر کشور گلایه می‌کرد. نیروی سوم دستگاه حاکمه را با دولت‌های استعمارگر در یک جبهه قرار می‌داد و مدعی بود هیئت حاکمه مجری تصمیمات و نیات دولت‌های غربی در ایران است. حدود ۸۰ روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد، این حزب در واکنش به سرمقاله روزنامه «بانک مردم» در ۴ خرداد که خلیل ملکی و حزب متبوعش را به همکاری با دربار متهم کرده بود نوشت: «ما همان قدر به دربار حاکمه احترام می‌گذاریم که به امپراطوری مخوف کرملین» (نیروی سوم، ۵ خرداد ۱۳۳۲: ۱ و ۴). این حزب در سرمقاله ارگان رسمی خود در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۳۲ در تبیین مشی و مرام خود در مواجهه با دستگاه حاکمیتی نوشت:

«هیئت حاکمه فاسد ایران که تا قبل از ملی شدن صنعت نفت به اتکاء سیاست استعماری بیگانه حکومت ایران را در دست داشت هنوز با کمال امیدواری مترصد است که نهضت ملی ما را از طریق توطئه‌های گوناگون شکست داده و حکومت منفور گذشته را تجدید نماید... حزب ما معتقد است که در حکومت مشروطه کنونی، شاه مسئولیتی ندارد و نباید در امور حکومت دخالت کند. سیاست حزب ما در قبال سلطنت این اصل مهم قانون اساسی است و ما معتقدیم که با اجرا شدن آن دربار که تاکنون پایگاه قسمت مهمی از توطئه‌های ضد ملی برای عمال سیاست‌های بیگانه بوده است تبدیل به دستگاهی خواهد شد که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است.» (نیروی سوم، ۱۱ خرداد ۱۳۳۲: ۴).

۳- مرحله سوم: بازسازی آرمانی جامعه سیاسی

۳-۱- بازسازی جامعه آرمانی در حوزه اقتصادی

بنیانگذاران حزب نیروی سوم بر این باور بودند که با به کار افتادن ماشین عظیم تسلیحاتی دنیای غرب و احتیاج صنایع این دولت‌ها به ماده محرکه، دنیای غرب هرگز نمی‌تواند از نفت چشم‌پوشی کند. لذا پیش‌بینی می‌کردند در صورت مقاومت ملت ایران، محاصره اقتصادی غرب از میان خواهد رفت. مقاومت در برابر دسیسه‌های خارجی در صورتی ممکن بود که در درجه اول فشار اقتصادی بر مردم تحمیل نشود و در درجه دوم دولت پایه‌های اقتصاد داخلی را تقویت کند. نیروی سوم پیشنهادهایی برای تقویت پایه‌های اقتصاد ارائه می‌داد و معتقد بود: «اصلاحات اقتصادی عبارت است از پی‌ریزی یک نقشه اقتصادی صحیح و علمی برای به کار انداختن نیروهای کاری و دهقانی و ثروت‌های زیرزمینی و حمایت از صنایع داخلی و تقویت وسایل صنعتی و زراعتی...» (نیروی سوم، ۱ آذر ۱۳۳۱: ۴). به اعتقاد گردانندگان حزب، دولت مصدق با انجام اصلاحات در داخل قادر بود با فشار بیرونی مقابله کند (نیروی سوم، ۲۲ آبان ۱۳۳۱: ۳). در صورت اجرای این اصلاحات «قوای مخالفین نابود و بنیه مالی دولت برای اجرای نقشه‌های مدت‌دار» تقویت می‌شود (نیروی سوم، ۲۲ آذر ۱۳۳۱: ۴). ارگان حزب نیروی سوم در شماره ۸۳ خود، جامعه آرمانی از منظر خود را این‌طور ترسیم می‌کرد:

«پس از پایان [نهضت ملی] نفت، کار اساسی و اصلی ما شروع می‌شود و ملت ایران ساختمان آینده خود را آغاز می‌کند. حل مسئله نفت و موفقیت در مبارزه ضد استعماری تنها مرحله نخستین مبارزه است و پس از آن است که مسائل اصلی و اساسی مطرح خواهد گردید و ملت ایران به زندگی خود و شرایط آن توجه خواهد نمود. تصفیه عمیق و جدی دستگاه دولتی و تعویض قطعی هیئت حاکمه ایران پس از مسئله نفت صورت می‌گیرد. تنظیم و انجام نقشه‌های بزرگ اجتماعی و رفورم اساسی تنها

در آن مرحله قابل اجراست. بهبود حال کارگران و حل مسئله زمین و کشاورزی و بالأخره تعدیل ثروت و تساوی حقوق زن و مرد و امتیازات آنها از مسائلی هستند که یک مبارزه عظیم و دامنه‌دار را ایجاب می‌کنند...» (نیروی سوم، ۲ بهمن ۱۳۳۱: ۴).

۳-۲- ترسیم جامعه آرمانی در حوزه سیاست خارجی

سیاستگذاری حزب نیروی سوم بر پایه دیدگاه‌ها و نظرات خلیل ملکی استوار بود. براساس دیدگاه خلیل ملکی، جهان متشکل از سه اردوگاه بود: اردوی شرق، اردوی غرب و جهان سوم. به اعتقاد او، بلوک شرق با راهبری شوروی و بلوک غرب با هدایت آمریکا، بر آن بودند تا نظام جهانی را تحت سیطره خود درآورند. این در حالی است که بخش اعظم کشورهای جهان در هیچ از یک از این دو اردوگاه قرار نداشته و می‌توانند بخش مستقلی را تشکیل دهند که ملکی از آن با عنوان «نیروی سوم» یاد می‌کند (ملکی، ۱۳۳۰: ۳). وی این اصطلاح را به جای اصطلاح «جهان سوم» به کار گرفت (سلیمانی و صابری، ۱۳۹۱: ۵۴). به اعتقاد ملکی نیروی سوم قادر است بدون تکیه بر شرق و غرب، به عنوان یک قدرت مستقل در دنیا عمل کند (لوهیا، ۱۳۵۷: ۵). به عقیده فعالان حزب، دولت‌های بزرگ مثل آمریکا، انگلیس و روسیه، تنها بر سر تقسیم منافع خود و «خرد کردن نهضت‌های جهانی» به تفاهم می‌رسند. لذا برای فائق آمدن بر سیاست‌های امپریالیستی، کشورهای جهان سوم باید با هم متحد شوند (نیروی سوم، ۳ خرداد ۱۳۳۲: ۱ و ۴). در این صورت آنها «امپریالیسم را قدم به قدم و کشور به کشور به عقب می‌رانند» (نیروی سوم، ۲۲ آبان ۱۳۳۱: ۴).

۳-۳- ترسیم جامعه آرمانی در حوزه سیاست داخلی

هنگامی که مصدق در دی‌ماه ۱۳۳۱ از مجلس درخواست اختیارات یک‌ساله کرد، حزب نیروی سوم ضمن حمایت از نخست‌وزیر، این خواسته را مؤثرترین ابزار برای ایجاد نظم اجتماعی و رونق اقتصادی دانست و از مصدق خواست با اختیارات فوق‌العاده، در برابر دیکتاتوری بایستد (ملکی، ۱۳۳۰: ۶۵-۶۴). در همین دوره، حزب انجام اصلاحات اجتماعی و فرهنگی را در راستای مقابله با ارتجاع پیگیری می‌کرد و همواره از دولت می‌خواست تا رفورم اجتماعی را در دستور کار قرار دهد (نیروی سوم، ۲ آذر ۱۳۳۱: ۴). نیروی سوم در شماره ۸۳ ارگان رسمی خود نوشت: «سوسیالیسم و مسائل مربوط به آن یک موضوع اختیاری نیست که حزب ما آن را مطرح کند و به ساختمان آن بپردازد. این یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر اجتماعی و یک جبر تاریخی است... اگر ما نتوانیم سوسیالیسم را با نیروی ملت ایران ساختمان کنیم، امپریالیست‌های انقلابی‌نمای سرخ به بهانه آن و با فریب و دغل‌کاری سیاه‌ترین رژیم‌های حکومت توتالیتر را به ما تحمیل خواهند نمود... سوسیالیسم ایران بدون شک با مقتضیات ملی و محیط زندگی ما توافق خواهد داشت.» (نیروی سوم، ۲ بهمن ۱۳۳۱: ۴). فعالان حزب هم از منظر سلبی و هم از منظر ایجابی به ترسیم فضای سیاسی می‌پرداختند و بر این عقیده بودند که «اگر مشکل داخلی کشور حل شود، مسئله نفت آسان خواهد شد» (نیروی سوم، ۷ بهمن ۱۳۳۱: ۱ و ۴). آنها معتقد بودند سوسیالیسم قادر است فقر را ریشه‌کن کند و اقتصاد را احیا نماید (ملکی، ۱۳۵۷: ۱۴).

۴- مرحله چهارم: ارائه راه‌حل و تجویز درمان

۴-۱- راه‌حل عبور از بحران اقتصادی

چهارمین مرحله در نظریه اسپریگنز، ارائه راه حل و تجویز نسخه برای درمان بیماری است. گردانندگان حزب نیروی سوم در این مرحله، پس از کشف بحران، شناسایی علل بحران و ترسیم جامعه آرمانی، به ارائه راه حل به منظور برطرف کردن مشکل پرداختند. برای حل بحران اقتصادی، راهکار نیروی سوم به جای اتکای مطلق به اقتصاد بدون نفت، تقویت بودجه غیرنفتی و تحکیم پایه های اقتصاد در داخل بود. در سال های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱، رقمی حدود یک میلیارد ریال که در سال ۱۳۲۹ از محل عایدی نفت جزو بودجه بود، وارد بودجه کشور نشد و از این حیث دولت دچار مشکل شد (مدنی، ۱/۱۳۶۱: ۲۲۳-۲۲۲). مشخص بود عدم فروش نفت، بودجه کشور را با مشکل مواجه کرده است. بر این اساس حزب نیروی سوم عقیده داشت باید وابستگی بودجه کشور به نفت کاهش یابد یا از بین برود. تلاش برای کاهش واردات غیرضروری (نیروی سوم، ۲۹ مهر ۱۳۳۱: ۳)، تکیه بر تولیدات داخلی، توسعه کشاورزی، تقویت زیرساخت های صنعتی، استخراج معادن زیرزمینی (علاوه بر نفت)، اعمال مالیات مستقیم بر درآمد، تقلیل هزینه های دستگاه های دولتی، (نیروی سوم، ۱۴ دی ۱۳۳۱: ۴) و ... پیشنهادهایی بود که حزب برای تقویت بودجه غیرنفتی ارائه داد. پس از تقویت بودجه غیرنفتی، در گام دوم دولت باید تلاش کند با برقراری ارتباط با کشورهای جهان سوم یا کشورهایی که به دول استعمارگر وابسته نیستند، مسیر فروش نفت را هموار نماید و در عین حال باید با انجام اصلاحاتی در داخل، مانع از اعمال فشار اقتصادی به مردم شود. در راستای توسعه اقتصادی، حزب علاوه بر اینکه برنامه های توسعه ای خود را در مطبوعات منتشر می کرد، پیشنهادات خود در این زمینه را به صورت مدون به مصدق ارائه می داد (صدقی، ۱۹۸۴: نوار شماره ۶).

۲-۴- راه حل عبور از بحران خارجی

در مواجهه با بحران بین المللی، حزب نیروی سوم عقیده داشت به جای ارتباط با دولت های استعمارگر، باید به کشورهای جهان سوم تکیه کرد و در عین حال باید از تضاد منافع دو بلوک شرق و غرب به نحو ویژه بهره برد. این حزب نسخه «اتحاد تدافعی ملل جهان سوم بدون قبول رهبری یکی از دو بلوک» را برای مقابله با استعمارگران جهانی تجویز کرد. روزنامه نیروی سوم در شماره های مختلف خود می کوشید با اشاره به مبارزات ملت های ستمدیده جهان - یا به تعبیر نیروی سوم «زحمتکشان جهان» (از جمله عراق، هند، مراکش، مصر، تونس و ...) - با دولت های استعماری، ضرورت مبارزه با استعمار را تبیین نماید. این حزب تأکید می کرد که «اصالت نهضت ملی در این است که نفوذ استعماری هر کشور مخصوصاً کشورهای آمریکا و شوروی نباید جانشین سیاست انگلستان گردد.» (نیروی سوم، ۱۱ خرداد ۱۳۳۲: ۱). ارگان رسمی این حزب در شماره ۱۱ خرداد ۱۳۳۲ نوشت: «اساس سیاست خارجی حزب ما با اتکاء به نیروی ملت ایران و مستقل از دو سیاست توسعه طلب جهانی حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی ایران می باشد. این رویه سیاسی، تز معروف نیروی سوم است که به نیروی ملت ها تعبیر می شود.» (نیروی سوم، ۱۱ خرداد ۱۳۳۲: ۴). حزب تحلیل نزدیکی به بلوک شرق برای مقابله با بلوک غرب را نقد می کرد و اعتقاد داشت همان اندازه که ملل ضعیف تمایل به مقابله با قدرت های بزرگ دارند، دول سلطه گر نیز حاضرند برای دستیابی به منافع خود در مواقعی با یکدیگر تفاهم کنند. در چنین شرایطی، دولت های ضعیف، قربانی مرافقت قدرت های بزرگ خواهند شد (نیروی سوم، ۳ مرداد ۱۳۳۲: ۴).

۳-۴- راه حل گذار از بحران سیاسی

در مواجهه با بحران سیاسی، راه حل ارائه شده از سوی نیروی سوم، رجوع به آرای مردمی و تشکیل نظام جمهوری بود. این عقیده در میانه دو کودتا (۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) مطرح شد. هنگامی که بعد از شکست کودتای ۲۵ مرداد، شاه از کشور خارج شد،

نیروی سوم از جمله گروه‌هایی بود که از تشکیل نظام جمهوری حمایت کرد. این حزب در سرمقاله روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ارگان رسمی خود، تنها راه حل برون‌رفت از بحران سیاسی را تشکیل نظام جمهوری عنوان کرد. در این سرمقاله با عنوان «جمهوریت تنها رژیم است که باید جانشین سلطنت گردد» آمده بود:

«باید با انجام رفراندوم، اولاً خلع محمدرضا شاه را از سلطنت تسجیل نمود و ثانیاً انقضاء رژیم سلطنتی و پایان حکومت تحمیلی را رسماً اعلام نمود. رژیم جمهوریت یعنی رژیمی که ملت را مستقیماً حاکم امور کشور می‌نماید تنها راه‌حل و بهترین راه‌حلی است که نهضت ملی ایران باید به آن برسد. جمهوریت و انتخاب رئیس‌جمهور از طرف ملت و به موجب آراء عمومی مسئله‌ای است که در دنیای فعلی و برای حاکمیت ملت‌ها کاملاً عادی [است] و باید آن را امر انجام یافته و قطعی تلقی نمود. درست است که در شرایط فعلی برای نیل به چنین هدفی مقدمات لازم آن ضروری به نظر می‌رسد، ولی اعلام جمهوریت و تغییر قانون اساسی ایران امری است که اجتناب از آن میسر و ممکن نیست.» (نیروی سوم، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲: ۱ و ۴).

اعضای این حزب در روز ۲۶ مرداد با تجمع در خیابان‌های مرکزی تهران، علیه شاه تظاهرات کرده و خواستار اضمحلال نظام شاهنشاهی و برپایی نظام جمهوری شدند (نیروی سوم، ۲۷ مرداد ۱۳۳۲: ۱). نیروی سوم در شرایطی موضوع تغییر نظام سیاسی را مطرح کرد که هنوز ساختار دیکتاتوری در کشور حکم‌فرما بود. پیشنهاد جمهوری‌خواهی البته از سوی حسین فاطمی (وزیر امور خارجه دولت مصدق) در میانه دو کودتا مطرح شد (باختر امروز، ۲۶ مرداد ۱۳۳۲: ۱) اما اغلب اعضای جبهه ملی، کابینه و حتی خود نخست‌وزیر، مخالف برچیده شدن بساط سلطنت بودند (مصدق، بی‌تا: ۲۷۳).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر بر آن بود تا با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و روش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر دیدگاه بحران توماس اسپریگنز به رفتارشناسی حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم در نهضت ملی نفت بپردازد. نظریه بحران اسپریگنز مشتمل بر چهار مرحله است؛ ۱- مشاهده بحران، ۲- شناسایی عامل بحران، ۳- ترسیم جامعه آرمانی و ۴- ارائه راه‌حل برای غلبه بر بحران. براساس یافته‌های این پژوهش، حزب نیروی سوم به عنوان یکی از حامیان دولت ملی مصدق از بدو تأسیس تا کودتای ۲۸ مرداد، بر آن بود تا پایه‌های دولت را مستحکم نماید. از این رو در گام نخست، در مسیر حرکت نهضت ملی، سه بحران اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی را کشف کرد. در مرحله دوم، حزب نیروی سوم به شناسایی عوامل بحران‌زا در جامعه پرداخت. از منظر گردانندگان این حزب، تحریم اقتصادی نفت ایران توسط انگلیس و تکیه مطلق دولت بر اقتصاد غیرنفتی عامل بروز بحران اقتصادی بود. نیروی سوم عامل بحران بین‌المللی را توطئه دولت‌های بزرگ و مسبب بحران سیاسی را حاکمیت استبداد شناسایی کرد. در گام سوم، گردانندگان حزب به ترسیم جامعه آرمانی پرداختند و در شماره‌های مختلف ارگان رسمی خود، آینده کشور ایران را بدون وجود بحران‌های سه‌گانه مزبور ترسیم نمودند. در این مرحله، دیدگاه ارائه شده توسط حزب، هم سلبی و هم ایجابی بود. در چهارمین گام، حزب نیروی سوم به ارائه راه‌حل برای غلبه بر بحران‌های سه‌گانه پرداخت. به اعتقاد گردانندگان حزب، راه‌حل غلبه بر بحران اقتصادی تقویت بودجه غیرنفتی و انجام اصلاحات اقتصادی در داخل بود. حزب راه‌گذار از بحران بین‌المللی را برقراری ارتباط با کشورهای جهان سوم دانست و برای رهایی از سلطه استبداد، نظریه نظام جمهوری را مطرح کرد. هرچند حزب نیروی سوم در دوران حیات خود تلاش کرد با ارائه

پیشنهادهای سازنده و گاه تکاپوهای میدانی، از نهضت ملی و دولت مصدق پشتیبانی کند، اما در نهایت در این مسیر ناموفق بود؛ چراکه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با اجرای طرح کودتا، دولت مصدق سقوط کرد و حدود یک سال بعد با انعقاد قرارداد کنسرسیوم، از نفت ایران نیز ملی‌زدایی شد. این حزب که از لحاظ خارجی برخلاف برخی احزاب سیاسی از جمله حزب توده به کانون قدرتی در بیرون از مرزهای ایران وابستگی نداشت، تنها می‌کوشید از منافع ملی ایرانیان پاسداری کند و در این مسیر با ایادی داخلی استعمار نیز مقابله می‌کرد. با این وجود تکیه حزب بر فعالیت رسانه‌ای و مسائل نظری و ایدئولوژیکی، این گروه را از تحرکات میدانی غافل کرد. سران حزب نیروی سوم برخلاف حزب توده برای توسعه آراء و دیدگاه‌های خود اقدامات مؤثری انجام ندادند و در جذب افراد موفقیت چندانی کسب نکردند. آنها که پایگاه مردمی ویژه‌ای نداشتند، تلاش کردند نظرات خود را در بین خواص منعکس کنند. در دوره نهضت، هرچند نیروی سوم برای مقابله با بحران‌های اقتصادی و خارجی راه‌حلهایی را ارائه کرد، اما از آنجا که در خارج، نظام بین‌المللی به واسطه تحولات جهانی در حال تغییر بود و در داخل، دولت مصدق به پیشنهادات حزب مزبور توجه چندانی نداشت، نیروی سوم موفق به کاربست نظریات خود در سیستم مدیریتی کشور نشد. این حزب در میانه دو کودتا فرصت چندانی برای تبیین نظریات و پیشنهادات خود درباره نظام سیاسی مطلوب (جمهوری) نیز نداشت؛ به‌ویژه آنکه در همین ایام شعار جمهوری‌خواهی از سوی برخی گروه‌ها از جمله حزب توده نیز سر داده می‌شد. حزب نیروی سوم که در دوره حیات خود همواره با حزب توده درگیری ایدئولوژیکی داشت هیچگاه فرصت نیافت بین نظام جمهوری مدنظر خود و نظام جمهوری مدنظر حزب توده مرزبندی کند.

مرحله اول: مشاهده و شناسایی بحران

مشاهده و شناسایی بحران اقتصادی | مشاهده و شناسایی بحران خارجی | مشاهده و شناسایی بحران سیاسی

مرحله دوم: تشخیص علل بروز بحران

عامل بحران اقتصادی: اتکاء مطلق به اقتصاد غیر نفتی | عامل بحران بین‌المللی: توطئه‌های انگلیس، آمریکا و شوروی | عامل بحران سیاسی: استبداد

مرحله سوم: بازسازی ذهنی جامعه آرمانی

ترسیم فضای اقتصادی جامعه آرمانی | ترسیم سیاست خارجی در جامعه آرمانی | بازسازی ذهنی سیاست داخلی

مرحله چهارم: ارائه راه حل

راه‌حل بحران اقتصادی: تقویت بودجه بدون نفت | راه حل بحران بین‌المللی: تمایل به نیروی سوم | راه حل بحران سیاسی: تشکیل نظام جمهوری

رفتارشناسی حزب نیروی سوم از تأسیس تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ براساس مراحل چهارگانه نظریه بحران اسپریگنز

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آذری شهرضایی، رضا (۱۳۸۳). *جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی (نیروی سوم)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۸۹). *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
- خامه‌ای، انور (۱۳۶۳). *پنجاه نفر و سه نفر*، تهران: انتشارات هفته.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*، ج ۸، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- صدقی، ضیاءالله (۱۹۸۴). *مصاحبه با امیر پیشداد*، پروژه تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد (به کوشش حبیب لاجوردی)، لوشن (فرانسه).
- صدقی، ضیاءالله (۱۹۸۴). *مصاحبه با علی‌اصغر حاج سیدجوادی*، پروژه تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد (به کوشش حبیب لاجوردی)، پاریس (فرانسه).
- کاتوزیان، محمدعلی (همايون) (۱۳۶۸). *خاطرات سیاسی خلیل ملکی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- لوهیا، رمانوهار (۱۳۵۷). *اردوگاه سوم و مسائل جهانی*، ترجمه خلیل ملکی، تهران: انتشارات رواق.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۱). *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۱، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۵). *احزاب سیاسی ایران با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مصدق، محمد(بی‌تا). *خاطرات و تألمات مصدق*، تهران: انتشارات محمدعلی علمی.
- ملکی، خلیل (۱۳۳۰). *نیروی سوم پیروز می‌شود*، تهران: کمیسیون انتشارات سازمان جوانان حزب زحمتکشان ملت ایران.
- ملکی، خلیل (۱۳۵۷). *تاریخ سوسیالیسم*، تهران: انتشارات رواق.
- ملکی، خلیل (۱۳۷۶). *برخورد عقاید و آراء*، به کوشش محمدعلی (همايون) کاتوزیان و امیر پیشداد، تهران: مرکز.
- ملکی، خلیل (۱۳۷۷). *نهضت ملی ایران و عدالت اجتماعی*، به کوشش عبدالله برهان، تهران: مرکز.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۸). *جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

مقاله‌ها:

- آذری شهرضایی، رضا (۱۳۷۸). *از اصلاح تا انشعاب*، نگاهی به شکل‌گیری نیروی سوم، گفتگو، (۲۶)، ۸۷-۱۰۴.
- بایرامی، سمانه (۱۳۹۲). *زندگی سیاسی خلیل ملکی*، فصلنامه مطالعات تاریخی، (۴۲)، ۷۴-۱۱۵.
- جداوی، الهام (۱۴۰۱). *تحلیل گفتمان سوسیالیسم ایرانی خلیل ملکی*، فصلنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، (۴۴)، ۱۵۶-۱۳۹.
- چگینی، محمد (۱۳۸۶). *خلیل ملکی و حزب نیروی سوم*، چشم‌انداز ایران، (۴۵)، ۱۱۰-۱۱۵.
- رهبانی، مجید (۱۳۹۴). *۲۸ مرداد*، حزب توده و نیروی سوم، ماهنامه جهان کتاب، (۳۱۶)، ۴۸-۵۴.

- سلیمانی، کریم، و صابری، شیدا (۱۳۹۱). بازخوانی رویکردهای فکری و سیاسی خلیل ملکی (با تکیه بر فعالیت وی در آستانه ملی شدن صنعت نفت)، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، ۴ (۱۳)، ۳۷-۶۱.
- مزینی، پرویز (۱۳۹۱). حزب نیروی سوم و رهبران دانشمند آن خلیل ملکی، ماهنامه حافظ، (۹۴)، ۷۳-۸۰.
- میاتا، آسامو (۱۳۸۷). خلیل ملکی در دوران ملی شدن نفت در ایران، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، (۲۴۷ و ۲۴۸)، ۱۳۸-۱۴۶.

منابع انگلیسی:

- Braun.D, Gross.M, Rittberger. (2020). Political Behavior in the EU Multi-Level System , Politics and Governance (ISSN: 2183–2463) 2020, Volume 8, Issue 1, Pages 1–5. DOI: 10.17645/pag.v8i1.2706.
- Jain, Manjul. (2024). Understanding Political Theory , India: Teerthanker Mahaveer University.

روزنامه‌ها:

- روزنامه باختر امروز، دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۳۲.
- روزنامه بسوی آینده، یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۰.
- روزنامه نیروی سوم (ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم) ۲۲ مهر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

Behavioral analysis of “Toilers Party of the Iranian Nation - Third Force” from its establishment to the coup d'état on August 19, 1953 based on “The Third Force” newspaper

Abstract

The present article addresses the behavior of the “Toilers Party of the Iranian Nation - the third force” from the establishment of it in October 1331 until the coup d'état on August 19, 1953 based on the “Crisis Theory” of Thomas A. Spragens.

This theory consists of four stages; 1- Observing the crisis, 2- Identifying the cause of the crisis, 3- Drawing an ideal society and 4- Providing a solution. The purpose of this research is to identify the types of behavior in the “Toilers Party of Iran – Third Force” in facing the crises that the national movement was dealing with from October 1952 to August 1953 (based on the official newspaper of this party i.e. “The Third Force”).

The method of data collection in this article is library research and document review, and data analysis is performed by historical method with a descriptive-analytical approach. Based on the findings of the research, from the founding of the party until the August 19 coup, the leaders of the Third Force party identified three economic, political and international crises. In order to protect the national movement and support Mosadegh's government, they tried to find out the causes of the turmoil and presented solutions to overcome the crises.

According to the founders of the party, the cause of the economic crisis was the economic blockade by England and the absolute reliance of the government on the non-oil economy. The cause of the international crisis was the British, American and Soviet colonial policy and the cause of the political crisis was tyranny. Therefore, the above-mentioned party considered the solution to the economic crisis to be a budget clear of oil money and the solution to overcome the international crisis to be relying on a third force. They also thought the solution to the political crisis was to establish a republic system.

Key words: Toilers Party of the Iranian Nation - Third Force, Nationalization of the Iranian oil industry, coup d'état on August 19, 1953, Khalil Maleki, Spragens' crisis theory.